

بررسی راهکارهای افزایش مشارکت سیاسی دانشجویان با تاکید بر شناسایی روابط میانفردی موثر در شبکه اجتماعی

افشین محمدی، عضو هیات علمی گروه علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند
احمد شهیدیان مدرس گروه علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند

چکیده

هدف مقاله حاضر مطالعه عوامل موثر بر مشارکت سیاسی افراد از طریق بررسی روابط میان فردی آنها با رویکرد تحلیل شبکه های اجتماعی است. در این بررسی نظریاتی از جمله نظریه اثربخشی سیاسی، احساس تعهد مدنی، انتخاب عقلانی و ترجیحات سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت، به این منظور تعداد ۲۶۰ پرسشنامه به روش پیمایش و تحلیل شبکه در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند اجرا گردید و علاوه بر اطلاعات مربوط به پاسخگویان، اطلاعات مربوط به اعضای شبکه اجتماعی نیز جمع آوری شد.

نتایج بدست آمده حاکی از آن است که ویژگی های کارکردی، تعاملی و ساختی شبکه و ویژگی های اجتماعی مورد بررسی اعضای شبکه بر رفتار رأی دهی پاسخگویان (که در واقع شاخص مشهودی از مشارکت سیاسی افراد قلمداد می شود) تأثیرگذار است. همچنین رفتار رأی دهی اعضای شبکه نیز به عنوان متغیر پیش بین رابطه معناداری با متغیر تابع دارد. در بین تمام شاخصهای مورد مطالعه بیشترین تأثیرگذاری مربوط به متغیر ترجیحات سیاسی است. تحلیل رگرسیون چند متغیری مبین این مطلب است که حدود ۳۷ درصد از تغییرات رفتار رأی دهی توسط متغیرهای مورد بررسی تبیین می گردد. بنابراین در این پژوهش، جایگاه رویکرد شبکه را در تبیین رفتار رأی دهی به عنوان نوعی از مشارکت سیاسی تعیین گردید که نتایج حاصله از پژوهش نیز، بر نقش شبکه های فردی در تشریح و تبیین رفتار رأی دهی بطور مستقیم و از طریق تأثیر بر ترجیحات سیاسی صحنه می گذارد. در نهایت پژوهش حاضر، مدلی را بر اساس مدل مفهومی وستلی و مک ارائه می نماید.

واژگان کلیدی: رفتار رأی دهی، شبکه های اجتماعی، اثربخشی سیاسی، تعهد مدنی، انتخاب عقلانی، ترجیحات سیاسی.

مقدمه

از لحاظ تاریخی، بحث دخالت عموم افراد در تعیین سرنوشت جامعه خود در قالب انتخابات و آرای عمومی سابقه چندان طولانی ندارد. در ایران هم انقلاب مشروطه نخستین تجربه انتخابات است، که آغازی برای شکل‌گیری آزادی‌های مدنی است. با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نظام پادشاهی جای خود را به جمهوری اسلامی داد که در آن کاندیداها برای احراز پست‌های مختلف مانند ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس، خبرگان رهبری و نمایندگی شوراها به صورت مستقیم توسط مردم انتخاب می‌شوند. به این ترتیب لزوم مشارکت سیاسی افراد اهمیتی ویژه یافت. زیرا یکی از علل اصلی وقوع انقلاب خواست مردم برای دخالت در حکومت و تصمیم‌گیری‌های اساسی بود. در کشور ما که جامعه‌ای جوان دارد، شرکت دانشجویان در انتخابات از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. وزن این گروه جمعیتی در کشور ما بسیار سنگین‌تر از سایر گروه‌های جمعیتی است که می‌توانند در امور سیاسی مشارکت کنند، بنابراین نقش آنان در تحولات سیاسی آشکار است. شرکت دانشجویان در انتخابات نه لزوماً همیشه، مشارکت آنان در آینده را نیز تثبیت می‌کند و به تداوم حکومت دموکراتیک می‌انجامد. برعکس عدم تمایل آنها به مشارکت سیاسی، نه تنها می‌تواند نشانی از ضعف و عدم کارایی نظام سیاسی باشد بلکه می‌تواند به شکل‌گیری مشارکت سیاسی غیر متعارف و منفی از جمله اعتصاب و شورش بیانجامد. بر این اساس هدف این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر رفتار رأی‌دهی دانشجویان شهر مشهد با تأکید بر رویکرد تحلیل شبکه و از طریق ابزار علمی است.

۱ - ۴ - پرسش‌های پژوهش

سئوالات اصلی این پژوهش درباره عوامل اجتماعی موثر بر رفتار رأی‌دهی دانشجویان است که به این صورت عنوان می‌شوند:

۱ - میزان حضور دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند در دوره‌های انتخاباتی اخیر به چه میزان است؟

۲ - عوامل موثر بر رفتار رأی‌دهی دانشجویان چیست؟

مبانی نظری و متغیرهای تحقیق

نظریات، دیدگاه‌ها و مدل‌هایی که هر کدام سعی کرده‌اند به بررسی و تبیین مشارکت سیاسی بپردازند بسیار زیاد هستند و اندیشمندان در رشته جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی به طور وسیعی به واکاوی رفتار رأی‌دهی و مشارکت سیاسی پرداختند. متغیر وابسته‌ی این تحقیق رفتار رأی‌دهی است. رأی‌دهی عملی است که در آن شهروندان با انتخاب نماینده یا نمایندگانی از طریق شرکت در انتخابات در نظام سیاسی مشارکت می‌کنند. این

متغیر در مجموع از ۲ سؤال تشکیل می‌شود. در این ۲ سؤال در مورد رأی دهی پاسخگویان در دو مرحله انتخابات سال ۸۶ و شرکتشان در انتخابات آینده اطلاعاتی بدست آمد. یکی از نظریاتی که برای تبیین رأی دهی و مشارکت سیاسی به کار گرفته می‌شود نظریه اثربخشی سیاسی است. اثربخشی سیاسی به معنی احساس موثر بودن و توانایی تأثیر گذاشتن بر سیاست است. از اصطلاحاتی که غالباً با اثربخشی سیاسی همراه اند، اعتماد سیاسی^۱ و احساس بیگانگی سیاسی^۲ هستند. احساس بیگانگی سیاسی احساسی در فرد است که به موجب آن فرد معتقد است که عمل او اثری بر صحنه سیاسی جامعه ندارد و تأثیری بر تعیین مسیر وقایع سیاسی نمی‌گذارد.

اثربخشی سیاسی از لحاظ نظری و تجربی دارای دو بعد درونی و بیرونی است. "اثربخشی درونی به احساس کفایت شخصی شهروندان در زمینه درک و شناخت مسائل سیاسی و تأثیری که خود آنان می‌توانند بر فرایند سیاسی بگذارند، مربوط می‌شود و اثربخشی بیرونی بیانگر تلقی شهروندان از پاسخ گو بودن دستگاه‌ها و بازیگران سیاسی نسبت به خواسته‌های شهروندان است" (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۷۵) بر این اساس برای هر دو بعد اثربخشی گویه‌هایی تنظیم شدند که با عبور از آزمون‌های آماری، روایی و اعتبار آنها نیز مورد سنجش قرار گرفت. بسیاری از تحقیقات به عمل آمده در حوزه مشارکت سیاسی مبین تأثیر قابل توجه احساس تعهد مدنی در تمایل به مشارکت سیاسی است. افرادی که تعهد مدنی قوی دارند معمولاً میزان مشارکت سیاسی بالایی دارند. "احساس تعهد مدنی به وسیله فرایند جامعه‌پذیری به مرور القاء می‌شود و ریشه‌هایش را باید هم در جامعه و هم در شخصیت افراد جستجو کرد. داده‌های مطالعه پنج کشور آلموند و وربا به روشنی نشان می‌دهد که بعضی فرهنگ‌های سیاسی این حس وظیفه را بیشتر به شخص القاء می‌کنند. عوامل پایگاه اجتماعی درون یک کشور نیز بر حس وظیفه مدنی تأثیر می‌گذارند. اشخاص با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا خصوصاً آنهایی که تحصیلات بالایی دارند، تمایل بیشتری به تقویت حس تعهد مدنی دارند. بعضی از محققان معتقدند که جامعه طبقه متوسط توسعه و گسترش حس وظیفه و وجدان مدنی را تسهیل می‌کند." (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ۸۳، ۸۰) با توجه به بافت مذهبی جامعه ایران یک بعد با عنوان وظیفه شرعی به تعهد مدنی افزودیم، تا این مفهوم بیشتر در انطباق با فرهنگ اسلامی و ایرانی قرار گیرد. بر طبق نظریه تعهد مدنی، مشارکت سیاسی نتیجه احساس وظیفه و تعهد فرد به جامعه‌ی خود است. در تحقیق حاضر نیز برای سنجش میزان احساس تعهد مدنی پاسخگویان در دو بعد گویه‌هایی به صورت طیف لیکرت طراحی شدند.

^۱ - Confidence Political
^۲ - political alienation

بر مبنای نظریه هنجاری رأی دهی که به مدل میشیگان نیز معروف است، مهمترین متغیری که تبیین کننده رفتار رأی دهی است، وابستگی حزبی است. در این دیدگاه روابط و علقه های موجود میان رأی دهندگان و نامزدها و یا رهبران احزاب سیاسی نقش تعیین کننده دارد. وفاداری حزبی و گروهی همچون آداب زندگی در خانه و محیط اجتماعی آموخته می شوند و دو کارکرد عمده دارند: از یک سو باعث تسهیل انتخاب در رأی دهی می شوند و از سوی دیگر راهنمای فرد در ارزیابی برنامه های سیاسی قرار می گیرند. (یوسفی، ۱۳۷۷: ۳۹)

به این ترتیب ترجیحات سیاسی عبارت است از تمایل رأی دهندگان به یک جریان خاص در دوره های مختلف انتخاباتی. در مورد این متغیر از پاسخگویان خواسته شد تا در یک طیف که دامنه ی آن از گرایش شدید به جریان اصلاح طلب تا گرایش شدید به جریان اصول گرا کشیده شده، گرایش سیاسی خود را مشخص کنند.

عضویت در انجمن های داوطلبانه با توجه به تنوع و کارکردهای فراوان آنها در جوامع مدرن در علوم اجتماعی اهمیت ویژه ای یافته است. جامعه شناسان یکی از متغیرهای موثر بر مشارکت سیاسی را عضویت در گروه های مدنی (محلی، خیریه، شغلی و...) می دانند. سازمان های داوطلبانه نمونه ای از شبکه های رسمی هستند. گر چه تأثیر شبکه های اجتماعی بر رفتار انتخاباتی افراد تا حدودی مضمون تحقیقات کلاسیک در علوم سیاسی و جامعه شناسی سیاسی بوده است و بیش از ۵۰ سال پیش لازارسفلد^۳، برلسون^۴ و گادت^۵ در مطالعه خود تحت عنوان انتخاب مردم^۶ اهمیت تأثیر شخصی در چگونگی ایجاد رأی در ذهن رأی دهندگان را نشان دادند، اما تحقیقات در مورد رأی دهی اخیراً به طور محسوس به سمت شبکه های اجتماعی کشیده شدند. از محققینی که در این عرصه فعالیت دارند می توان به هاگفلد^۷، برت^۸، نوک^۹ و... اشاره کرد که در کشورهای مختلف جهان و اکثراً از طریق پیمایش های ملی به بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی و یا به طور خاص رفتار رأی دهی پرداختند. (Nieuwbeerta and Flap, ۲۰۰۰: ۳۱۳-۳۱۴)

افراد در انجمن ها احتمالاً بیشتر به بحث های سیاسی، ابراز اطلاعات سیاسی و درخواست های سیاسی خود می پردازند. (Harell et al., ۲۰۰۷: ۵) انجمن ها عادت همکاری، همبستگی و روحیه جمعی را در اعضایشان تلقین می کنند. این عقیده با تحقیقاتی که در مورد فرهنگ مدنی شهروندان پنج کشور به عمل آمده تقویت می شود. بر اساس این

^۳- Paul Felix Lazarsfeld

^۴- Bernard Berelson

^۵- Hazel Gaudet

^۶- "The people's choice"

^۷- Huckfeldt

^۸- Burt

^۹- Knoke

تحقیقات اعضای انجمن ها کمال سیاسی، اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی بیشتری از خود نشان داده اند. به علاوه وقتی افراد عضو گروه های مختلفی باشند که دارای اهداف و اعضای متفاوتی هستند طبیعتاً بواسطه تعامل و فشارهای متقاطع دیدگاه هایشان معتدل می شود. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

منظور از روابط داوطلبانه عضویت داوطلبانه در شبکه های رسمی برای شرکت در فعالیت های اجتماعی آزادانه مختلف است. در پژوهش حاضر فعالیت های داوطلبانه از طریق شرکت در تعدادی سازمان داوطلبانه که دانشجویان امکان شرکت در آنها را دارند، سنجیده می شود و براساس مدل ارتباطات جمعی وستلی و مک لین، مدل ارتباط جمعی دانشجویان ارائه می گردد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر بر اساس موضوع روش پیمایش هر دو مورد استفاده قرار می گیرند. نمونه ی مورد مطالعه ۲۶۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند است که با بکارگیری روش نمونه گیری متناسب با حجم از میان گروه های سنی و جنسی انتخاب شدند. اطلاعات این مطالعه با استفاده از پرسش نامه از طریق مصاحبه رودررو با پاسخگویان جمع آوری شده است. یافته های پژوهش پس از کدگذاری در نرم افزار SPSS ۱۵ و با توجه به سطح سنجش متغیرها در آزمون پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

یافته های پژوهش

شرکت در انتخابات سال ۸۶

پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که "در انتخابات مجلس شورای اسلامی که در اسفند ۸۶ برگزار شد شرکت کردید؟" حدود ۴۷ درصد اعلام کردند که در هر دو مرحله ی این انتخابات شرکت کردند، ۱۶ درصد نیز تنها در یک مرحله شرکت کردند. حدود ۳۵ درصد نیز عنوان کردند که در هیچ کدام از دو مرحله انتخابات شرکت نکردند. به طور کلی حدود ۶۴ درصد از پاسخگویان حداقل در یک مرحله از این انتخابات شرکت کردند.

جدول ۱ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شرکت در انتخابات سال ۸۶

شرکت در انتخابات ۸۶	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
در هر دو مرحله	۱۲۴	۴۷,۳	۴۷,۳
در یک مرحله	۴۳	۱۶,۴	۶۳,۷
در هیچکدام از دو مرحله	۹۳	۳۵,۵	۹۹,۲
بی جواب	۲	۰,۸	۱۰۰
مجموع	۲۶۲	۱۰۰	

شرکت در انتخابات آینده

در سؤال شرکت در انتخابات ملی آینده حدود ۵۷,۳ درصد اظهار کردند که به طور قطع در این انتخابات شرکت می‌کنند. حدود ۲۷ درصد مردد بودند و نمی‌دانستند که در این انتخابات شرکت می‌کنند یا خیر و حدود ۱۵٪ به صورت قطعی اعلام کردند که در این انتخابات شرکت نمی‌کنند.

در کل، حدود ۴۲ درصد پاسخگویان نظر مثبتی در مورد شرکت در انتخابات نداشتند و ۵۷ درصد (۱۵۰ نفر) نیز آماده شرکت در انتخابات ملی آینده هستند که این تعداد با تعداد کسانی که در انتخابات سال ۸۶ شرکت کردند تا حدودی برابر است.

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب شرکت در انتخابات آینده

شرکت در انتخابات آینده	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیر	۴۱	۱۵,۶	۱۵,۷
نمی‌دانم	۷۰	۲۶,۷	۴۲,۵
بلی	۱۵۰	۵۷,۳	۱۰۰
بی‌جواب	۱	.۴	
مجموع	۲۶۲	۱۰۰	

گرایش سیاسی پاسخگویان

جدول ۳ توزیع فراوانی گرایش سیاسی پاسخگویان

جریان	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد معتبر کل
هیچکدام	۱۰۶	۴۰,۵	۴۱,۷	۴۱,۷
به شدت اصلاح طلب	۱۸	۶,۹	۷,۱	۳۱,۱
تاحدودی اصلاح طلب	۳۰	۱۱,۵	۱۱,۸	
کمی اصلاح طلب	۳۱	۱۱,۸	۱۲,۲	
کمی اصول‌گرا	۲۷	۱۰,۳	۱۰,۶	۲۷,۱
تا حدودی اصول‌گرا	۲۳	۱۲,۶	۱۳,۰	
به شدت اصول‌گرا	۹	۳,۴	۳,۵	
بی‌جواب	۸	۳,۱	۱۰۰	۱۰۰
مجموع	۲۶۲	۱۰۰		

داده‌های بدست آمده از جدول ۳ نشان می‌دهد که ۳۱٪ از پاسخگویان خود را کمی، تا حدودی و به شدت اصلاح طلب معرفی کردند. ۲۷٪ (۶۹ نفر) هم خود را به شدت، تا حدودی و کمی اصول‌گرا می‌دانستند. ۸ نفر نیز گرایش سیاسی خود را اعلام نکردند و حدود ۴۱ درصد از پاسخگویان به هیچ جریان سیاسی متمایل نیستند که خود نیازمند

بررسی و علت یابی است. تعداد افراد به شدت اصلاح طلب دو برابر افراد به شدت اصولگرا است (۶,۹ درصد در مقابل ۳,۴ درصد) و بعد از گزینه "هیچکدام از جریانهای سیاسی" بیشترین فراوانی پاسخگویان در گزینه "تاحدودی اصول گرا" قرار دارد.

حس اثربخشی سیاسی

۶ گویه عنوان شده در این بخش به بررسی حس اثربخشی سیاسی پاسخگویان اختصاص دارد. گویه های ۲ و ۵ حس اثربخشی سیاسی بیرونی را می سنجد و سایر گویه ها نیز حس اثربخشی سیاسی درونی را اندازه می گیرند.

جدول ۴ توزیع میزان حس اثربخشی سیاسی پاسخگویان

میانگین	کاملاً موافق	موافق	بینابین	مخالف	کاملاً مخالف	بی نظر	گویه ها
۴,۲۶	۲۴,۹	۲۷,۲	۲۲,۲	۱۰,۰	۶,۱	۹,۶	۱ فکر می کنم رأی هر یک از ما می تواند در تعیین آینده کشور موثر باشد.
۳,۴۵	۴,۶	۱۳,۴	۳۴,۱	۲۵,۷	۱۴,۹	۷,۳	۴ به نظرم دولت به خواست مردم توجه می کند و کاملاً پاسخگو است.
۳,۹۲	۱۲,۶	۳۱,۸	۲۴,۹	۱۱,۱	۵,۰	۱۴,۶	۳ شرکت در انتخابات تأثیر آشکاری بر تحولات سیاسی دارد.
۳,۷۴	۸,۰	۲۶,۴	۱۸,۰	۳۱,۸	۱۰,۰	۵,۷	۴ فکر نمی کنم رأی یک نفر چندان تأثیری بر نظام سیاسی داشته باشد.
۳,۲۱	۱۹,۲	۲۵,۳	۲۵,۳	۱۴,۹	۳,۱	۱۲,۳	۵ به نظرم گروه کوچکی از قدرتمندان جامعه را اداره می کنند و صرف نظر از حضور مردم در انتخابات، قدرت خود را همچنان حفظ می کنند.
۳,۴۶	۱۹,۹	۲۷,۲	۲۴,۵	۱۶,۵	۶,۵	۵,۴	۶ نظر من و امثال من تأثیری بر تصمیمات دولت ندارد.

گویه اول به بررسی نظر پاسخگویان در مورد تأثیر رأی دهی افراد در نظام سیاسی می پردازد. ۵۲ درصد افراد با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند، ۱۶ درصد نیز با این گویه

مخالف و کاملاً مخالف هستند. میانگین ۴,۲۶ نیز نشانگر آن است که پاسخگویان به طور متوسط با این نظر که رأی افراد در آینده کشور موثر است موافق هستند. اطلاعات گویه دوم که به تلقی افراد از پاسخگو بودن دستگاه‌ها و فعالان سیاسی اختصاص دارد گویای این مطلب است که حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان با این گویه مخالف و کاملاً مخالف هستند و تنها ۱۸ درصد با این گویه موافق و کاملاً موافق هستند. ۳۴ درصد نیز نظر بینابین دارند. گویه ۳ نیز مانند گویه ۱ به سنجش حس اثربخشی سیاسی درونی پاسخگویان می‌پردازد، حدود ۴۴ درصد از افراد با این نظر که تصمیم مردم در انتخابات تأثیر آشکاری بر تحولات سیاسی دارد موافق و کاملاً موافق هستند. ۵ درصد کاملاً مخالف و ۱۱ درصد مخالف این گویه هستند. ۲۵ درصد نیز گزینه بینابین را انتخاب کردند. گویه چهارم هم که به بررسی اثر رأی یک نفر بر کل نظام سیاسی می‌پردازد جمعاً ۴۴ درصد موافق و کاملاً موافق داشته است. ۴۲ درصد هم کاملاً مخالف و مخالف با این نظر بودند. ۱۸٪ دانشجویان پاسخگو نیز نظر بینابین در مورد این گویه داشتند.

داده‌های گویه ۵ که به سنجش میزان اعتماد به محیط سیاسی می‌پردازد حاکی از آن است که ۴۴ درصد از افراد پاسخگو اعتماد کمی به نظام سیاسی دارند و معتقداند گروه کوچکی از قدرتمندان در سیاست حضور دارند که به رغم وجود انتخابات قدرت خود را حفظ می‌کنند (۲۵٪ موافق و ۱۹٪ کاملاً موافق). ۱۸ درصد نیز با این گویه کاملاً مخالف و مخالف هستند. ۱۲ درصد بی‌نظر بودند یا نظر خود را اعلام نکردند و ۲۵ درصد نظر بینابین و متوسط داشتند.

درصد بالایی از پاسخگویان با این گویه که "نظر من و امثال من تأثیری بر تصمیمات دولت ندارد" موافق و کاملاً موافق بودند (۲۷ درصد موافق و ۲۰ درصد کاملاً موافق)، ۲۳ درصد نظر مخالف و کاملاً مخالف در مورد این گویه داشتند. میانگین ۴,۴۶ نیز نشان دهنده آن است که به طور متوسط پاسخگویان نظری بین مخالف و بینابین نسبت به این جمله داشتند. حدود ۲۴ درصد از افراد هم‌نهی مخالف و نه موافق این گویه بودند.

مجموع این گویه‌ها مفهوم حس اثربخشی سیاسی را ایجاد می‌کنند، بالاترین نمره قابل کسب در این مفهوم ۳۶ و پایین‌ترین نمره ۶ است. میانگین نمره کسب شده در بین پاسخگویان ۲۲,۰۴۲ و بیشترین فراوانی در نمره ۲۰ است.

تعهد مدنی

مجموع ۴ گویه‌ی پایین مفهوم تعهد مدنی را می‌سنجند. در گویه اول که نظر پاسخگویان درباره رأی دادن به عنوان وظیفه شرعی بررسی می‌شود، ۳۸ درصد موافق هستند که رأی دادن یک وظیفه شرعی است. ۱۵,۷ درصد از پاسخگویان هم کاملاً موافق

هستند. ۱۶ درصد نیز رأی دادن را نوعی وظیفه شرعی قلمداد نمی کنند. با این گویه که "من به خاطر مردم و کشور ایران رأی می دهم"، حدود ۶۰ درصد کاملاً موافق و موافق بودند و تنها ۱۵٪ کاملاً مخالف و مخالف بودند. ۱۷,۲٪ نیز نظر بینابین و حد وسط داشتند. مجموعاً ۵۲ درصد از پاسخگویان با گویه سوم که در آن به رأی دادن به عنوان تکلیف دینی نگریسته می شود، مخالف و کاملاً مخالف هستند. حدود ۲۱ درصد نیز با این گویه کاملاً موافق و موافق هستند، ۲۱٪ نیز نظر بینابین دارند. در گویه چهارم که رأی دادن به عنوان وظیفه ملی سنجیده شده است، حدود ۵۵ درصد گزینه های کاملاً موافق و موافق را انتخاب کردند، ۱۵٪ نظر کاملاً مخالف و مخالف داشتند. ۸ درصد نیز نظر خاصی در مورد این گویه نداشتند.

با نگاهی کلی به داده های این جدول متوجه خواهیم شد که دانشجویان پاسخگو رأی دادن را بیش از اینکه وظیفه دینی خود بدانند، آن را وظیفه ملی و میهنی خود می دانند. گرچه مقایسه گویه ۲ و ۴ نشان می دهد که در گویه ای که در آن از لفظ وظیفه استفاده شده است، موافقت کمتری را به خود جلب کرده است. میانگین نمره کسب شده در گویه ۲- که در آن از لفظ وظیفه استفاده نشده است یا متضمن تکلیف نیست (مانند گویه ۳) بالاتر از سایر گویه ها است.

به طور کل حداکثر نمره ای که پاسخگویان از این مفهوم دریافت می کنند ۲۴ و حداقل نمره ۴ است، به طور میانگین نمره پاسخگویان ۱۶,۲۸ است که نشان دهنده آن است که بطور متوسط پاسخگویان از این مفهوم نمره متوسط رو به بالا دریافت کردند، بیشترین فراوانی در کسب نمره هم نمره ۱۸ است.

جدول ۵ توزیع میزان مفهوم تعهد مدنی

گویه ها	بی نظر	کاملاً مخالف	مخالف	بینابین	موافق	کاملاً موافق	میانگین
۱- به نظر من رأی دادن یک وظیفه شرعی است	۶,۹	۹,۲	۱۲,۳	۱۷,۶	۳۸,۳	۱۵,۷	۴,۱۸
۴- من به خاطر مردم و کشور ایران رأی می دهم.	۶,۹	۵,۰	۱۰,۰	۱۷,۲	۴۲,۰	۱۸,۷	۴,۳۹
۳- فکر می کنم با رأی ندادن گناه خواهیم کرد.	۴,۶	۲۱,۱	۳۱,۴	۲۱,۱	۱۳,۰	۸,۸	۳,۴۳
۴- من رأی دادن را وظیفه ملی و میهنی خود می دانم.	۸,۰	۵,۰	۱۰,۰	۲۱,۸	۴۰,۲	۱۴,۹	۴,۲۶

سازمان های داوطلبانه

برای آگاهی از میزان حضور در انجمن های داوطلبانه جدول پایین را به میزان فعالیت افرادی اختصاص دادیم که در هر یک از این انجمن ها حضور داشته اند. ستون اول به تعداد افرادی که در هر یک از این فعالیت ها شرکت داشتند مربوط است، ستون های دیگر میزان فعالیت افراد در این انجمن ها را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود شرکت در گروه های ورزشی بیشترین طرفدار را دارد و حدود ۵۳ درصد از پاسخگویان در این فعالیت ها شرکت داشتند و به طور میانگین میزان فعالیت اعضا بالا است. بعد از آن بیشتر پاسخگویان در سازمان بسیج دانش آموزی و دانشجویی شرکت کردند. حدود ۳۶ درصد از افرادی که در بسیج شرکت کردند، میزان فعالیت خود را زیاد اعلام کردند. حضور در دفتر نمایندگی رهبر در دانشگاه ها و احزاب سیاسی بسیار کم رنگ است و شامل تعداد معدودی از پاسخگویان می شود. به طور کلی میانگین میزان فعالیت در تمام انجمنهای داوطلبانه بین تاحدودی فعال و فعال است.

جدول ۶ توزیع فراوانی متغیر میزان فعالیت های داوطلبانه پاسخگویان

میانگین	بسیار فعال ۴	فعال ۳	تاحدودی فعال ۲	به ندرت ۱	عضویت		میزان فعالیت سازمان
					فراوانی	درصد	
۲,۴۱	۱۱,۶	۳۶,۴	۳۳,۹	۱۸,۲	۴۶,۲	۱۲۱	بسیج دانش آموزی یا دانشجویی
۲,۷۸	۲۴,۱	۳۴,۵	۲۷,۶	۸,۶	۲۱,۰	۵۵	بسیج محله و مسجد
۲,۶۳	۱۵,۵	۳۸,۱	۳۶,۹	۷,۱	۳۱,۳	۸۱	هیأت های مذهبی
۲,۱۳	۵,۷	۲۶,۴	۴۱,۵	۲۴,۵	۱۹,۸	۵۲	گروه دانشجویان هلال احمر
۲,۴۰	۹,۳	۳۲,۶	۳۷,۲	۱۴,۰	۱۵,۳	۴۰	انجمن های خیریه
۲,۶۷	۲۲,۲	۴۴,۴	۱۱,۱	۲۲,۲	۳,۸	۱۰	احزاب یا گروه های سیاسی
۳,۰	۲۹,۵	۴۳,۲	۲۲,۲	۳,۶	۵۲,۷	۱۲۸	گروه های ورزشی
۲,۵۷	۱۲,۷	۳۸,۰	۴۰,۸	۷,۰	۲۷,۵	۷۲	گروه های هنری و فرهنگی
۲,۸۳	۱۶,۷	۵۰,۰	۳۳,۲	۰,۰	۶,۹	۱۸	انجمن های صنفی در دانشگاه
۲,۶۳	۱۱,۸	۴۱,۲	۳۵,۳	۵,۹	۶,۱	۱۶	انجمن اسلامی در دانشگاه
۲,۶۹	۱۱,۱	۵۲,۸	۲۵,۰	۸,۳	۱۳,۴	۳۵	انجمن علمی در دانشگاه
۲,۶۷	۳۳,۳	۰,۰	۶۶,۷	۰,۰	۱,۱	۳	نهاد نمایندگی در دانشگاه
۳,۱۴	۱۴,۳	۸۵,۷	۰,۰	۰,۰	۲,۷	۷	سایر

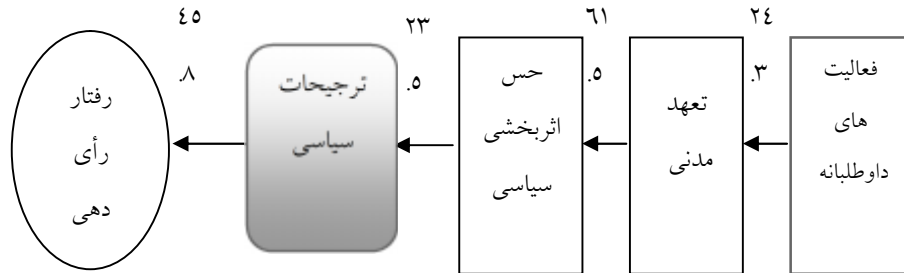
آزمون فرضیات

متغیر احساس اثربخشی سیاسی به معنای اعتماد به پاسخگویی دولت درباره خواسته های شهروندان است، بر مبنای این نظریه هر چه احساس اثربخشی در افراد بالاتر باشد، تمایل به حضور در عرصه سیاست و داشتن مشارکت سیاسی نیز در آنها افزایش می یابد. نتیجه این تحقیق نیز این فرض نظری را تأیید می کند که با افزایش اعتماد به نفس سیاسی (اثربخشی درونی) و اطمینان به محیط سیاسی جامعه (اثربخشی بیرونی) حضور در دوره های مختلف انتخاباتی نیز افزایش می یابد.

احساس تعهد مدنی نیز از دیگر مفاهیم مورد توجه در پژوهش فعلی است. بر طبق نظریه تعهد مدنی، مشارکت سیاسی نتیجه احساس وظیفه و تعهد فرد به جامعه ی خود است. در تحقیق حاضر نیز هر دو بعد این مفهوم رابطه مثبت و قوی با متغیر رأی دهی نشان می دهند. به این ترتیب که هر چه فرد شرکت در انتخابات را بیشتر وظیفه دینی و مدنی خود بداند، بیشتر متمایل به به شرکت در رأی گیری خواهد بود.

از میان مفاهیم مورد مطالعه در این پژوهش متغیر ترجیحات سیاسی دارای بالاترین تأثیر بر رفتار رأی دهی است. تمایل داشتن به یک از جریان های سیاسی موجود در جامعه عاملی مهم و موثر برای بسیج در شرکت در انتخابات خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان می دهد که این عامل تأثیر بسزایی در رفتار رأی دهی دانشجویان شهر مشهد دارد و دانشجویانی که ترجیحات سیاسی خاصی ندارند، کمتر متمایل به حضور در رأی گیری عمومی خواهد بود. از جمله شبکه های روابط رسمی، روابط درون سازمان های داوطلبانه اند که عضویت در آنها در مورد پاسخگویی مورد سنجش قرار گرفته است. حاصل این بررسی نشان می دهد که برخی از سازمان های داوطلبانه مانند بسیج و تشکل های دانشجویی بر میزان مشارکت در انتخابات موثر هستند. اما سایر فعالیت های داوطلبانه مانند شرکت در امور فرهنگی، هنری و ورزشی دارای این نتیجه نیستند. شاید از مهمترین دلایل این رابطه آن باشد که سازمان های داوطلبانه ای مانند بسیج و تشکل ها دانشجویی در راستای اهداف سیاسی هستند تا سایر سازمانها، به همین علت تأثیر آنها بر رفتار رأی دهی ظهور می یابد.

تمام متغیرهای مورد بررسی بر اساس دیدگاه ها و تئوری های مذکور دارای رابطه مثبت آماری و تئوریک با رفتار رأی دهی هستند. با قرار دادن تمام متغیرها در معادله رگرسیونی در مجموع ۴۳٪ از تغییرات متغیر وابسته تبیین می شود. مدل تحلیل مسیر نیز نشان می دهد که متغیرها به واسطه متغیر ترجیحات سیاسی بر رأی دهی موثر هستند.



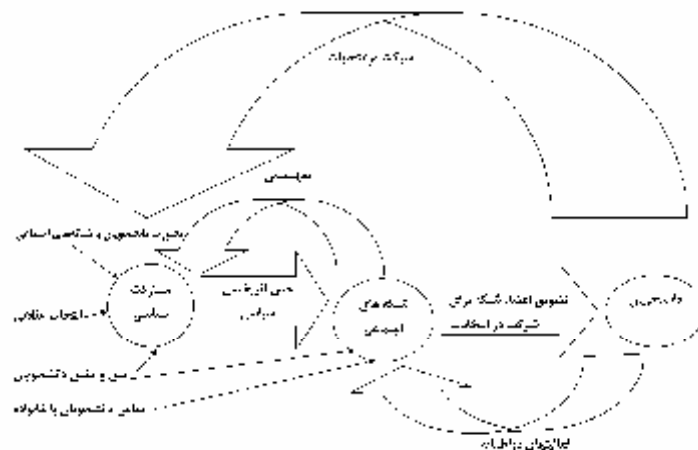
اگر این زنجیره از متغیرها را دنبال کنیم، متوجه می‌شویم که این دسته از متغیرها و ارتباطاتشان در یک نظام سیاسی دموکراتیک و سالم به رأی دهی و مشارکت سیاسی آگاهانه افراد می‌انجامند. اساساً در یک نظام دموکراتیک رفتار رأی دهی به طور خاص و مشارکت سیاسی به طور عام اتفاقی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل به شکل‌گیری گرایش‌ها در افراد منجر می‌شوند. به طور مثال در گام اول فرد در سازمان‌های داوطلبانه عضو می‌شود، در این شبکه‌ها با افراد مختلف گفتگو و دیالوگ منطقی دارد و به عنوان یک شهروند فعال در جامعه نقش خود را ایفا می‌کند. این فعالیت‌های خودجوش و داوطلبانه به همراه آگاهی او از پایه‌های دموکراتیک جامعه و سودمندی و به شکل‌گیری احساس تعهد مدنی در فرد می‌انجامد (حلقه دوم) البته مسلماً عوامل بی‌شمار دیگری نیز در این روند موثر هستند. فرد در این حالت احساس دینی نسبت به جامعه خود دارد و این احساس را از طریق مشارکت در امور اجتماع مانند شرکت در انتخابات نشان می‌دهد. در این مرحله فرد می‌داند که رأی و نظر او در جامعه بی‌اثر بر نظام سیاسی نیست، بر اساس چنین تفکری است که فرد به جناح‌ها یا احزاب خاصی متمایل می‌گردد (حلقه چهارم) و در نتیجه این گرایش خاص به صورت حمایت از این جناح در انتخابات متجلی می‌گردد. در نهایت اینکه تعدد عوامل معرفی شده موثر بر مشارکت سیاسی و رأی دهی و نبود وفاق آرا در مورد نظریه‌ای واحد نباید از عوامل ذکر شده تصویری پاره پاره و مجزا متبادر سازد که هر کدام به صورت جدا بر رفتار رأی دهی موثر هستند و گرچه هر یک از رویکردها بخش جداگانه‌ای از واقعیت را مورد بررسی قرار دادند، تمام عواملی که بر این رفتار تأثیرگذار هستند در همدیگر تنیده شدند و در دنیای واقعی حلقه‌های یک زنجیر را می‌سازند.

نتیجه‌گیری

به عنوان جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که اکثر متغیرهای مورد بررسی که بر اساس فرض نظری بر مشارکت سیاسی و رفتار رأی دهی موثر هستند، در تحلیل‌های آماری این تحقیق نیز رابطه معناداری را با متغیر تابع نشان می‌دهند، بنابراین نظریات و دیدگاه‌های عنوان شده گرچه با رویکردهای متفاوتی به مشارکت سیاسی و رأی دهی توجه می‌کنند، اما

عواملی را که آنها بر متغیر تابع مورد بحث موثر می دانستند، تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بر آن دارند.

با توجه به نتایج بدست آمده در بخش تحلیل یافته‌های تحقیق، جهت نشان دادن روابط بین متغیرها در قالب مدل‌های ارتباطی جمعی با بهره‌گیری از مدل وستلی و مک لین، مدل ذیل ارائه می‌گردد :



پیشنهادهای

اولین پیشنهادی که در مورد تحقیقاتی با رویکرد شبکه می توان ارائه داد این است که این تحقیقات از فرد مرکزی شبکه به تمام اعضای شبکه بسط پیدا کند و به این ترتیب کل شبکه مورد بررسی قرار گیرد تا هم اشکالات ناشی از کمی اعتبار در خود پاسخگویی افراد ایجاد نشود و هم تأثیرات ناشی از شبکه بر رفتار اعضاء کاملاً و به طور دقیق آشکار شود. اما در مورد مطالعه مشارکت سیاسی پیشنهاد می شود که اولاً رفتار رأی دهی با حجم نمونه بالاتر و به صورت مجزا از سایر انواع مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و ثانیاً با توجه به مطالعات فراوانی که در مورد مشارکت سیاسی صورت گرفته است، هر یک از انواع مشارکت سیاسی به صورت جداگانه و دقیق تر مطالعه شوند. درباره ترجیحات سیاسی و تأثیر

این متغیر بر رفتار رأی دهی نیز کمتر مطالعاتی انجام شده است و نیاز به تحقیقات بیشتری وجود دارد تا عوامل موثر بر شکل‌گیری گرایش‌های سیاسی به وضوح مشخص شوند. در خصوص بررسی بیشتر در مورد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر رفتار سیاسی توصیه می‌شود که تأثیر شبکه بر سایر رفتارهای سیاسی مانند، اعتراضات، شورش‌ها، شرکت در فعالیت‌های سیاسی و احزاب مورد واکاوی قرار گیرند. در پژوهش‌های این‌چنینی درباره جوانان نیز پیشنهاد می‌شود تا تأثیر گروه‌های مختلف مانند اعضای خانواده، دوستان، همکاران و... به طور مجزا در تحقیقات مختلف بررسی شوند تا اثر گروه‌های همسالان بر جوانان آشکارتر گردد.

منابع

- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره یک، صفحه ۴۸-۵۹.
- میلبرث، لستر، گوئل، لیل (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی، مترجم سید رحیم ابوالحسنی، نشر میزان.
- مک کوایل، دنیس، ویندال، سون (۱۳۸۸)، مدل‌های ارتباطات جمعی، مترجم: گودرز میرانی، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- یوسفی، علی (۱۳۸۳)، تحلیل فرانتزوری رأی: ارائه یک مدل مفهومی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صفحه ۵۳-۵۵.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

- Harell, A. Stolle, D., Quintelier, E., ۲۰۰۷. "Network diversity and political participation: A Complication or an Asset?" Mc gill University.

- Nieuwbeerta, P., Flap, H., ۲۰۰۰. "Crosscutting Social Circles and Political Choice: Effects of Personal Network Composition on Voting in the Netherland". Social Network ۲۲, ۳۱۳-۳۳۵.